

جلوه‌های زیبایی و هنر در نهج البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱

کد مقاله: ۸۱۱۸۱

فاطمه اکبری^۱

چکیده

بیانات امام علی(ع) در متن کتاب مقدس نهج البلاغه، علاوه بر دارا بودن زیبایی و فصاحت و بلاغت در نگارش متون خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها دارای مفاهیم عمیق معنوی‌ای است که می‌توان با استفاده از آنها به تعاریفی عمیق از زیبایی و هنر دست یافت. مسئله این پژوهش دست‌یابی به بنیان‌های زیبایی در صورت و محتوای کتاب ارزشمند نهج البلاغه است و هدف آن تبیین مبانی زیبایی در فرهنگ اسلامی بر اساس متن نهج البلاغه است. این امر جنبه‌های نوآوری این پژوهش را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این مقاله از شیوه توصیفی-تحلیلی برای بررسی بخش‌های مختلف کتاب نهج البلاغه استفاده شده است و شیوه تجزیه و تحلیل با استعانت از روش‌های استدلال قیاسی و استقرایی انجام یافته است.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، زیبایی، صور خیال

جاودانگی و عظمت نهج البلاغه برخاسته از عظمت و جاودانگی آفریننده آن است. طنین دلنشین و آهنگ روح بخش جملات نهج البلاغه از نفخه و الهام قدسی الهی برخوردار بوده و در اعماق جان فرو می‌نشیند. این اثر شریف و گرانقدر ضمن آن که جامع علوم و دانش هاست، در نسبت با نیازهای فطری و طبیعی انسان در همه ابعاد و شئون زندگی دنیوی رهنمود می‌دهد و بینش و شناخت می‌آفریند و مقصد را نزدیک و دست یافتنی می‌سازد. در این مقاله تلاش داریم تا با بررسی بنیان‌های زیبایی در صورت و محتوای متن کتاب ارزشمند نهج البلاغه به بنیان‌های زیبایی در فرهنگ اسلامی دست یابیم.

ابتدائاً به جایگاه حکمی زیبایی در فرهنگ اسلامی با استعانت از بخش‌های مختلف متن نهج البلاغه پرداخته و سپس به بررسی زیبایی‌شناسانه چگونگی به کارگیری صور خیال در متن این کتاب پرداخته می‌شود. در خصوص بنیان‌های زیبایی در فرهنگ اسلامی بر اساس نهج البلاغه تحقیقی تاکنون صورت نگرفته است و از این نظر این مقاله پژوهشی نو به شمار می‌آید. اما در مورد جایگاه صور خیال در نهج البلاغه پژوهش‌هایی انجام یافته و در اینجا به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

فولادگر (۱۳۷۳) در پایان نامه با عنوان "تشبیه در نهج البلاغه" و و جوکار (۱۳۶۹) در پایان نامه با عنوان "صور خیال در نهج البلاغه" و کنگرلویی (۱۳۸۶) در پایان نامه با عنوان "بررسی مضامین مشترک دیوان حافظ و نهج البلاغه" به چگونگی به کارگیری انواع صنایع صور خیال؛ تشبیه، تمثیل، مجاز، استعاره، کنایه در متن کتاب نهج البلاغه پرداخته‌اند. چمن‌خواه (۱۳۷۶) در پایان نامه با عنوان "تصویر و تمثیل در نهج البلاغه" تصویرهای چهار جستر "طبیعت"، "حیوان"، "انسان" و "ابزار و وسایل زندگی" موجود در متن کتاب را که در معنای مجازی به کار رفته، شناسایی نموده و سپس به میزان تأثیرات کمی و کیفی و گستردگی آن بر متون ادب و فرهنگ اسلامی پرداخته است.

۲- زیبایی تجلی جمال الهی در پیکره آفرینش

در متون فقهی اسلام، مبحث مستقلی درباره زیبایی و زیبایی‌شناسی وجود ندارد. استتیک به معنای امروزی از قرن هجدهم توسط فیلسوف آلمانی به نام الکساندر بومگارتن به کار برده شد. لفظ استتیک از واژه یونانی aesthetikos به معنای مورد ادراک حسی گرفته شده است. یعنی ملاحظه زیبایی از آن جهت که با حالات انسان ارتباط پیدا می‌کند. به تعبیر دیگر زیبایی را منحصر امری سوپزکتیو و در قلمرو صرف ادراک حسی می‌شناسد و به موهبت اصلی زیبایی که امری ایزکتیو است بی توجه مانده و یا تاکنون به آن پی نبرده است. اما برای متفکران و حکمای مسلمان، بحث زیبایی و جمال فراتر از ادراکات حسی یا حالات احساسی انسان است. زیرا هم مبدا زیبایی متعالی از حس و احساس آدمی است و هم نحوه ادراک آن فراتر از حوزه ادراکات حسی است. در فرهنگ اسلامی منظور از زیبایی‌شناسی آن نوع معرفتی است که نه تنها زیبایی محسوس بلکه اساس معنوی زیبایی را در بر می‌گیرد و فی نفسه شامل قوانین زیبایی ایزکتیو و نیز ادراک سوپزکتیو زیبایی، آن هم نه در مرحله ادراک صرفاً حسی، بلکه فراتر از ادراک حسی و در مرتبه شهودی قرار می‌گیرد.

در بینش اسلامی خداوند امر مطلق است و سراسر آفرینش مخلوق او به شمار می‌آیند. ممکن نیست پدیده و یا آفریده‌ای باشد و مخلوق خدا نباشد. خداوند در نسبت میان زیبایی با مخلوقات در آیه ۷ از سوره سجده می‌فرماید: "ممکن نیست چیزی مخلوق باشد و زیبا و جمیل نباشد"، که لزوماً مستقیم یا غیر مستقیم اشاره به امر زیبایی دارد. انسان نیز در شمار مخلوقات و خلیفه خداوند است. قرآن درباره کیفیت زیبایی آفرینش انسان در آیه ۴ سوره التین می‌فرماید: "ما انسان را در زیباترین و با کمال ترین صورت هستی، چه از لحاظ باطن و چه از حیث ظاهر، خلق کردیم."

از دیدگاه اسلام جمال و زیبایی و حسن، جوهر هستی و خلقت است و جمال همان اندازه ایزکتیو است که یک معادله ریاضی. اما در بیان نسبت میان مخلوقات با مراتب قرب به حقیقت زیبایی باید گفت از آن جا که ذات حق عین حسن و جمال است و اسما و صفات او از جهتی همانند ذات او هستند، لذا موجودات که بر حسب اعیان ثابت خلق شده‌اند، بهره‌ای از جمال و زیبایی او ندارند. لکن این زیبایی عاریتی است نه ذاتی و هر موجودی فی حد ذاته مانند آینه است که قابلیت انعکاس صورتی را که بیرون از اوست، دارد. به عبارت دیگر سراسر عالم خاصیتی آینه‌گون دارد و چنان که آینه می‌تواند صورت شیء خارجی را منعکس کند، هر یک از موجودات نیز استعداد آن را دارند که صورت حق را بازتاب دهند. این صورت چیزی جز اسماء و اوصاف حق تعالی نیست. لذا موجودیت اشیا چیزی نیست جز خاصیت آینگی اسماء و صفات الهی و هستی هر موجودی در گرو تابش تصویر حق است و با بودنش وجود خداوند را اثبات می‌کند. حاصل کلام آن که زیبایی از منظر فرهنگ اسلامی، ظهور یا انعکاس ویا تجلی جمال حق در آب و گل این عالم است و موجودات این عالم قابلیت آن را دارند که فاعلیت جمال حق را بازتاب دهند.

بخشی از بیانات امام علی(ع) در نهج البلاغه به بحث زیبایی‌های این جهانی و محسوس و بخشی به زیبایی و آراستگی روح انسانها با رفتار صحیح و معقول که همان مقدمه دریافت جمال خداوندی است، می‌پردازد.

در بیانات امام علی(ع) جهان تماماً آثار صنعت و ظرافت خداوندی است. و هر آفریده‌ای جلوه‌ای از جمال خداوندی را بازتاب میدهد. زیرا که خداوند خود زیباست و هر آنچه می‌آفریند چون بر وجود خودش گواهی میدهد، پس زیباست. مسلم است که مقصود از جمال خداوندی پدیده و یا نمود عرضی نیست که از مقوله کیفیت محسوب میشود و خداوند جسم نیست که کیفیتی داشته باشد، بلکه اوست آفریننده همه کیفیتها، به اضافه اینکه اگر جمال خداوندی از مقوله کیفیت بوده باشد، لازمه اش ترکیب است که برای خداوند امکان ناپذیر است. صفت جمالی یکی از صفات خداوند است که با نظر به مفهومی که دارد غیر از حیات، قدرت و علم و اراده و دیگر صفات ذاتی و صفات فعلی او است. همچنین با توجه به این که همه زیباییهای قابل تصور را او به وجود آورده است، معلوم می‌شود که جمال او مافوق زیباییهای محسوس و معقولی است که در دو قلمرو انسان و جهان قابل دریافت است. اگر ما توانسته باشیم زیبایی‌های فوق محسوسات را به عنوان زیبایی آرمان‌های معقول دریافت کنیم و بپذیریم و اگر این حقیقت را تصدیق کنیم که زیبایی آرمانهای معقول می‌توانند در ما انبساط روانی و شهودی خاص زیبایی معقولات را به وجود آورند، توانسته ایم یک گام در راه دریافت جمال خداوندی دریابیم. و اگر این حقیقت را هم تصدیق کنیم که قوای دریافت کننده درونی ما خیلی عالی تر و با عظمت تر از آنست که آنها را در عکس برداری محض از جهان برونی و تخیل و تداعی معانی و امثال اینها منحصر نماییم، می‌توانیم به وجود آن استعداد که جمال خداوندی را در یابد، پی ببریم.

امام علی(ع) در نهج البلاغه از تجلی حق در برابر عقل‌ها می‌گوید و آفریده‌های خداوند را آثار صنعت و نشانه‌های حکمت او می‌داند. چنانچه در خطبه ۱۸۶ می‌فرماید:

"خدا با خلق پدیده‌ها در برابر عقل‌ها جلوه کرد و از مشاهده چشم برتر و والاتر است." و در خطبه ۹۱ می‌فرماید: "در آنچه آفریده آثار صنعت و نشانه‌های حکمت او پدیدار است که هر یک از پدیده‌ها حجت و برهانی بر وجود او می‌باشند، گرچه برخی مخلوقات به ظاهر ساکت‌اند ولی بر تدبیر خداوندی گویا و نشانه‌های روشنی بر قدرت و حکمت اویند."

امام علی(ع) در خطبه ۱۸۲ می‌فرماید: "خدا با نشانه‌های تدبیر استوار و خواسته‌های حکیمانه در خلق نظام احسن، در برابر غفلت‌ها آشکارا جلوه کرد. از نشانه‌های آفرینش او، خلقت آسمانهای پابرجا، بدون ستون و تکیه گاه است."

و در خطبه ۴۹ می‌فرماید: "اوست که همه نشانه‌های هستی بر وجود او گواهی می‌دهند و دل‌های منکران را بر اقرار به وجودش واداشته است."

و در خطبه ۱۸۵ می‌فرماید: "فکرها و اندیشه‌ها بر ذات خداوند احاطه ندارند که با آثار عظمت خود بر آنها تجلی کرده است. نشانه‌های خلقت به او گواهی می‌دهند، نه به حضور مادی."

و در خطبه ۱۰۸ می‌فرماید: "ستایش خداوندی را سزاست که با آفرینش مخلوقات بر انسانها تجلی کرد و با برهان و دلیل خود را بر قلب هایشان آشکار کرد."

۳- جایگاه زیبایی‌های این جهانی در بیانات امام علی(ع)

امام علی(ع) در خطبه اول نهج البلاغه در خصوص زیبایی آسمان می‌فرماید: "خداوند فضای آسمان را به وسیله نور ستارگان درخشنده زینت بخشید." و در خطبه ۹۱ می‌فرماید: "پس در فضای هر آسمان فلک آن را آفرید و با زینتی از گوهرهای تابنده و ستارگان درخشنده بیاراست." امام علی(ع) در خصوص زیبایی زمین در خطبه ۹۱ می‌فرماید:

"پس زمین به وسیله باغهای زیبا، همگان را به سرور و شادی دعوت کرده، با لباس نازک گلبرگها که بر خود پوشید، هر بیننده‌ای را به شگفتی واداشت و با زینت و زیوری که از گلوبند گل‌های گوناگون، فخرکنان خود را آراست، هربیننده‌ای را به وجد آورد."

در دیدگاه امام علی(ع) زیبایی انسان را به وجد می‌آورد. دریافت زیبایی حسی باطنی است و توسط خدا به ودیعه گذاشته شده است.

در دیدگاه امام علی(ع) نسبتی میان زیبایی و نظم و اندازه وجود دارد. "در خطبه ۹۱ امام علی(ع) می‌فرماید: "آنچه را آفرید، با اندازه گیری دقیقی استوار کرد و با لطف و مهربانی نظمشان داد."

با تامل در موضوع نسبت میان اندازه گیری و زیبایی و نظم، می‌توان نتیجه گرفت که تناسب نیز جزیی از زیبایی است. زیرا که امام علی(ع) می‌فرماید خداوند همه چیز را با اندازه گیری دقیقی آفریده و چون هر چه او آفریده زیباست، می‌توان گفت تناسب و نظم نیز جزو جدایی ناپذیر زیبایی می‌تواند باشد.

امام علی(ع) دوگانگی نور و تاریکی را به صورت امکانهای دایمی نهفته در الگوی ازلی می‌بیند و در خطبه ۱۸۲ چنین می‌فرماید:

فرماید:

"جز الله خدایی نیست که هر تاریکی را به نور خود روشن کرد و هر چه را جز به نور او روشن بود، به تاریکی کشاند." در آراء امام علی(ع) نور سرچشمه هستی قرار گرفته است و بواسطه درخشش بی حد این نور است که شناخت خداوند دشوار می‌شود. اگر لحظه‌ای به رنگها با دقت نظر کنیم آنها به ما خواهند گفت که یک وجود هستند و به ما می‌فهمانند که نور چیزی خارج از رنگها نیست و رنگها از طریق آن آشکار می‌گردند و نور از طریق ضدش قابل درک می‌گردد و خدای واحد بواسطه روشنایی بیش از حدش از ما نهان است.

۴- نقش زیبایی‌های معقول در متذکر ساختن انسان ها

در آراء امام علی(ع) گرچه دقت، ظرافت و تناسب بعنوان سازمان دهنده جوهره زیبایی معرفی می‌شود، اما زیبایی را فراتر از مادیات و محسوسات معرفی می‌کند. ایشان زیبایی را در مفاهیم و مقوله‌های ذهنی و روحی و رفتاری نیز مطرح می‌کنند. از دید ایشان، حلم و بردباری، وقار، دانش، صدق و عفاف زیباست. ایشان در خطبه ۱۹۵ می‌فرمایند:

"زینت باطن‌ها زیباتر از زینت ظاهرهاست. زینت به زیبایی و نیکویی، صواب و حقیقت است، نه به نیکویی لباس. بردباری، زینت اخلاق و رفتار است. پاکدامنی زینت تهیدستی و شکرگزاری زیور بی نیازی است."

امام علی(ع) در خصوص هدفمند بودن آفرینش انسان در خطبه ۱۹۵ می‌فرماید: "و بدانید که خداوند شما را بیهوده نیافرید و بی سرپرست رها نکرد. از میزان نعمتش بر شما آگاه و اندازه نیک‌های خود را بر شما می‌داند."

امام علی(ع) در حکمت ۳۷۰ می‌فرماید: "ای مردم هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا به بازی بپردازد و او را به حال خود وانگذاشته تا خود را سرگرم کارهای بی ارزش نماید." و در حکمت ۷۸ می‌فرماید: "خداوند آسمان و زمین و آنچه در میانشان است، بی هدف نیافرید."

از مطالب مطرح شده در خطبه‌های بالا می‌توان نتیجه گرفت که همه چیز در این دنیا هدفدار است این همه جمال و زیبایی و شگفتیهای آفرینش هدفمند بوده و یکی از اهداف آن می‌تواند به بیان امام علی(ع) متذکر نمودن انسان باشد. هر بیننده‌ای با دیدن آثار قدرت خداوند به سوی او رهنمون می‌شود. زیرا که این همه ظرافت و دقت و تناسب جز آفریده خداوند قادر نمی‌تواند باشد.

۵- جلوه‌های هنری متن نهج البلاغه

یکی از جلوه‌های باشکوه و بدیع نهج البلاغه، سوای معانی و مفاهیم عمیق معنوی آن، جلوه‌های هنری و تابلوهای جذابی هستند که توسط کلام امیر نقش بسته و معارف و معانی عمیقی را در تصاویر زنده و آمیخته با حرکات، به مخاطب انتقال می‌دهند. این تصاویر و تابلوها می‌توانند به سبب ظرافت و دقت ترسیم آنها توسط کلمات و پویایی صحنه‌های زنده، الگو و سرمشقی برای هنرمندان مسلمانان باشند.

سخنان امام علی(ع) سرشار از تعابیری است که در آنها حقایق دینی و معارف توحیدی در قالب کاملاً عینی و محسوس به نمایش گذاشته شده‌اند تا این مفاهیم راحت تر و عمیق تر بر جان خواننده بنشینند. امام علی(ع) در ترسیم این تابلوها از تشبیهات، نغز، تمثیلات زیبا، استعاره‌های بدیع، توصیفات دقیق، تخیل و تجسیم حالات، شیوه‌های نمایشی، شیوه محاوره و گفتگو و همچنین از سجع و کلام آهنگین بهره گرفته‌اند که این کتاب را می‌توان به نمایشگاهی پر از تابلوهای نفیس تشبیه نمود که پیامی از عالم معنا را با خود به ارمغان می‌آورد.

۵-۱- جایگاه تخیل در متن نهج البلاغه

امام علی(ع) در خطبه ۸۹ در تابلویی زنده جهان انسانیت را همچون باغی به تصویر کشیده‌اند که در عصر جاهلیت تمام برگهای این باغ به زردی گرائیده و باغبان از میوه هایش مایوس گشته و آبهایش در زمین فرو نشسته و جویهای خشکیده است. و یا در تابلویی دیگر امام علی(ع) در خطبه ۳۷ نقش خود را در دفاع از اسلام آن گاه که دیگران به سستی گرائیده بودند چنین بدیع و خیال انگیز به تصویر کشیده‌اند: "من در آن زمان بر مرکب پیروزی سوار شدم، زمامش را به دست گرفتم و به پرواز درآمدم و جایزه این مسابقه الهی را من به تنهایی بردم."

۵-۲- جایگاه استعاره در متن نهج البلاغه

از جمله استعاراتی که شارحان نهج البلاغه آن را از نیکوترین و جالب ترین استعارات خوانده اند، این سخن امام علی(ع) در خطبه ۵ است: "ای مردم امواج سهمگین فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات بشکافید."

و همچنین از استعاره‌های زیبا و نیکوی امام می‌توان به سخنی در خطبه ۴۲ اشاره کرد: "بکشید از فرزندان آخرت باشید نه از فرزندان دنیا، زیرا در روز قیامت هر فرزندی به مادر خود ملحق می‌شود."

۵-۳- شیوه محاوره و گفتگو در متن نهج البلاغه

در نامه ۴۵ در تصویری بدیع امام علی(ع) دنیا را همانند مخاطب دارای شعور خطاب قرار داده و با زبانی عتاب آلود با آن سخن می‌گوید: "ای دنیا از من دور شو! مهارت را بر پشت تو نهاده و از چنگال‌های تو رهایی یافتم و از دام‌های تو نجات یافته و از لغزشگاه‌های دوری گزیدم."

۵-۴- شیوه به کارگیری روش نمایشی در متن نهج البلاغه

در این روش امام علی(ع) برای ترسیم یک حقیقت، موضوع را با روشی زنده و گویا به مخاطب خویش القا نموده است. به عنوان مثال در خطبه ۳۳ ارزش یک کفش وصله شده را از حکومت بیشتر می‌داند: "به خدا سوگند! همین کفش بی ارزش برای من از حکومت بر شما بهتر است، مگر اینکه با حکومت حقی را به پا دارم و یا باطلی را دفع کنم."

۵-۵- جایگاه تشبیه در متن نهج البلاغه

امام علی(ع) در حکمت ۲۶ رخساره آدمی را به صفحه‌ای تشبیه نموده که روحیات و خصلت‌های باطنی انسانها در آن پدیدار می‌شود: "هیچ کس چیزی را در دل پنهان نکرد، مگر آنکه در سخنان بی اندیشه اش آشکار گشت و در صفحه رخسارش پدید آمد." و یا در تصویر جذاب دیگری از نهج البلاغه در حکمت ۳۷۴، امام علی(ع) نقش شایان امر به معروف و نهی از منکر را این گونه با تشبیهی نغز به نمایش گذاشته است: "تمامی کارهای نیکو و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چونان قطره‌ای است در مقابل دریایی موج و پهناور."

۵-۱- توصیف شگفتیهای خلقت طاووس در نهج البلاغه

یکی از جذاب ترین تابلوهای نهج البلاغه، ترسیمات و توصیفات دقیقی است که علی(ع) درباره خلقت خارق العاده طاووس در خطبه ۱۶۵ نموده است. همان پرندهای که از جنبه زیبایی ضرب المثل است و خلقت آن از جمال و جلال نقاش چیره دستی پرده بر می‌دارد که نقشها و رنگهای بدیع و خیره کننده‌ای را برای این موجود طراحی نموده است. در اینجا برخی از تابلوهای به نمایش گذاشته شده از شگفتیهای این پرنده را نظاره می‌کنیم.

درباره دم زیبای این حیوان، چندین توصیف در نهج البلاغه صورت گرفته است:

"نخست از دامنه کشیده آن که به هنگام راه رفتن بر زمین کشیده میشود یاد شده، صحنه‌ای که یادآور عروسی زیباست که لباس فاخر خود دامن بلند آن بر زمین کشیده میشود، خودنمایی می‌کند."

"خداوند طاووس را در استوارترین شکل موزون بیافرید... با دمی که دامنه آن را گسترده و بر زمین می‌کشد."

در تصویر دیگر، از آن به عنوان چتری بسیار زیبا یاد نموده است:

"هنگامی که به سوی ماده پیش می‌رود، آن را چونان چتری گشوده و بر سر خود سایبان می‌سازد."

و در ادامه آن را به بادبان کشتی تشبیه می‌کند که ناخدا آن را برافراشته است:

"گویا بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است."

همچنین در تصاویری بدیع، بال و پر طاووس به زیبایی تمام توصیف گردیده که هر یک از صحنه‌های آن حقیقتاً از تابلوهای بی بدیل و شاهکارهای هنری به شمار می‌آیند.

در تصویری زیبا بال و پر طاووس این چنین توصیف شده:

"گویا نی‌های پر طاووس چونان شانه‌هایی است که از نقره ساخته و گردی‌های شگفت انگیز آفتاب گونه که به پره‌های اوست، از زر ناب پاره‌های زبرجد بافته شده است."

و در صحنه‌ای دیگر، بالهای طاووس به گل‌های رنگارنگ و متنوع بهاری تشبیه گردیده:

"اگر رنگهای پره‌های طاووس را به رویدنیهای زمین تشبیه کنی، خواهی گفت دسته گلی است که از شکوفه‌های رنگارنگ گل‌های بهاری فراهم آمده است."

همچنین سایر اعضا و جوارح این حیوان خوش خط و خال، در قالب تصاویر و توصیفات دقیق دیگری، به شیوه‌ای اعجاب انگیز به نمایش گذاشته شده است که به چند صحنه از آن اشاره می‌کنیم.

در صحنه نخست، یال و کاکل این حیوان که همچون تاجی بر سرش خودنمایی می‌کند، اینگونه توصیف شده:

"بر فراز گردن طاووس به جای یال، کاکلی سبز رنگ و پر نقش و نگار روئیده است." و در صحنه‌های دیگر، گردن او به ابریقی نفیس و نگارین تشبیه شده: "و برآمدگی گردنش همون ابریقی نفیس و نگارین است." و در نهایت، رنگهای شاد و فرحبخش این پرنده از نظر شفافیت و درخشندگی، چنین توصیف شده: "کمتر رنگی می‌توان یافت که طاووس از آن در اندامش نداشته باشد، یا با شفافیت و صیقل فراوان و زرق و برق جامه اش آن را جلای برتری نداده باشد. طاووس چونان شکوفه‌های پراکنده است که باران بهاری و گرمای آفتاب را در پرورش آن نقش چندان نیست." چنین توصیفات دقیق و زیبایی درباره شگفتیهای طاووس، تاکنون از هیچ کس جز امیر مومنان امام علی (ع) شنیده نشده است.

۶- جمع بندی و نتیجه گیری

این مقاله با عنوان "جلوه‌های زیبایی و هنر در نهج البلاغه" در پی دست یابی به بنیان‌های زیبایی در صورت و محتوای کتاب نهج البلاغه است. جنبه نوآوری این مقاله تبیین مبانی زیبایی در فرهنگ اسلامی بر اساس متن نهج البلاغه است. کتاب نهج البلاغه جامع علوم و دانش‌ها است و در همه ابعاد و شئون زندگی دارای رهنمودهای ارزشمندی است. در خصوص بررسی جایگاه حکمی زیبایی در نهج البلاغه، زیبایی از جنبه‌های ابژکتیو و سوژکتیو برخوردار است. جهان آفرینش و مخلوقات از جمال و زیبایی بهره مند هستند و حکم به زیبایی در نسبت با میزان تقرب مخاطب به ادراک زیبایی است. آفریده‌های خداوند آثار و نشانه‌های روشنی بر قدرت و حکمت خداوند هستند و هر آفریده‌ای جلوه‌ای از جمال خداوندی را بازتاب می‌دهد. صفت جمال یکی از صفات خداوند است و مافوق زیبایی‌های محسوس و معقولی است که در دو قلمرو انسان و جهان قابل دریافت است. صفت جمال خداوند به زیبایی آرمان‌های معقولی اشاره دارد که در انسان انبساط روانی و شهودی خاص را به وجود می‌آورد که منجر به آراستگی روح انسان‌ها با رفتار صحیح و معقول که همان مقدمه دریافت جمال خداوندی است می‌گردد. در آراء علی (ع) زیبایی‌های معقول به هدفمند بودن آفرینش انسان و حتی آسمان و زمین و هر آن چه در میان شان است، اشاره دارد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آیت‌اللهی، حبیب. ۱۳۸۵. مبانی نظری هنرهای تجسمی. چاپ ششم، تهران: سمت
۳. بورکهارت، تیتوس. ۱۳۷۶. هنر مقدس اصول و روشها. جلال ستاری، تهران: سروش
۴. دشتی، محمد. ۱۳۸۴. نهج البلاغه. چاپ اول، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی شاکر
۵. جرداق، جورج. ۱۴۱۷م. روائع نهج البلاغه. مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه: بی جا
۶. جعفری، محمد تقی. ۱۳۷۶. زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. چاپ دوم، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
۷. حمیدیان، سعید. ۱۳۷۳. درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی. تهران: نشر مرکز
۸. رهنورد، زهرا. ۱۳۷۸. حکمت هنر اسلامی. تهران: سمت
۹. محمدقاسمی، حمید. ۱۳۸۷. جلوه‌های هنر تصویرآفرینی در نهج البلاغه. چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی